دولت عدل و دولت جور

کنکاشی در اندیشه سیاسی علامه محمدباقر مجلسی

تحلیل

سیدعلی لطیفی*

آرای سیاسی و پیوند فقه با امور حکومت‌داری هرچند با ظهور انقلاب اسلامی رشد و شکوفایی ویژه‌ای در جهان تشیع پیدا کرد، اما برخلاف تصور عامه پایه‌های این نهال در زمینی رویید که فقهای شیعه سالیان متمادی در حال هرس و حراست از آن بودند و حتی خود امام خمینی(ره) پایه آرای سیاسی و فقهی خود را نه به عنوان مسائلی مستحدثه که به عنوان اصولی بیان می‌کند که پیش‌تر چارچوب آن توسط فقهای بزرگ شیعه در قرون ماضی ترسیم شده است. علامه مجلسی یکی از این فقهاست که نظریات فقهی وی در امور حکومت داری، مبسوط است و تأثیر زیادی بر پیشبرد نظریات فقه سیاسی شیعه در عصر حاضر داشته و دارد.

حیات سیاسی علامه

علامه محمدباقر مجلسی، فرزند محمدتقی متکلم، فقیه و محدث مشهور از علمای شیعه دوران صفوی است که در طول عمر ۷۳ ساله خویش، با چهار تن از پادشاهان صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی معاصر بوده و بعد از رحلت آقا حسن خوانساری منصب شیخ‌الاسلامی را در زمان شاه سلیمان عهده‌دار می‌شوند. جایگاه سیاسی این علامه بزرگوار سبب شده بود که ایشان بعد از محقق کرکی از بانفوذترین علمای صفوی گشته و از این‌رو در تاریخ اجتماعی ایران آراء له و علیه گوناگونی در باب شخصیت اجتماعی ایشان توسط صاحب‌نظران ارائه گردد. باری، موضع و عملکرد سیاسی علامه مجلسی در قبال سلاطین صفوی را می‌توان بازتابی از شرایط نظری و واقعی محیط سیاسی و تاریخی او و پاسخی مثبت و کارآمد به نیازها و مقتضیات جامعه سیاسی و دینی این دانشمند دانست، به‌گونه‌ای که حضرت امام خمینی(ره) در پاسخ به منتقدان ایشان بیان می‌دارند که: «امثال مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد نه خودش را صفویه کرد، آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانش.» «خیال کند که اینها مانده بودند برای جاه و عزت و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین یا شاه عباس به آنها عنایتی بکنند. این حرف‌ها نبوده در کار، آنها گذشت کردند یک مجاهده نفسانی کردند... مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را. غرض ندارد، نمی‌داند قضیه را.»

با این وجود بررسی اندیشه و آرای علامه مجلسی همواره میان محققین محل بحث بوده است. حتی بعضاً مواردی چون گرایش به اخباری‌گری و ضدیت با فلسفه و صوفی‌گری به وی نسبت داده شده است. ظاهراً حضور و نفوذ علامه مجلسی در دستگاه صفوی بسیار زیاد بوده است به گونه‌ای که اعتقاد برخی بر این است که علامه، نگاه سلاطین صفوی به صوفی‌گری را تغییر داد و در تضعیف این فرقه مؤثر بود. همچنین عدم‌حضور یک شیخ‌الاسلام دارای اقتدار پس از وی در درگاه صفویه، از عوامل ضعف مدیریت سیاسی کشور در دوران پس از وی شمرده می‌شود. مجلسی در اندیشه سیاسی خود به مباحث گوناگونی پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به طرح موضوعاتی نظیر انواع حکومت، شرایط و وظایف حاکمان، ولایت فقیه، حکومت سلطنتی و حقوق شاهان اشاره کرد.

اندیشه سیاسی

علامه مجلسی در عین تلمذ در مکتب فلسفی و کلامی، شیوه حدیث‌گرایی را در نظام تولید اندیشه پیشه خود ساخته و مبتنی بر جدایی عقل از فلسفه، به تحلیل مباحث اساسی اندیشه سیاسی از قبیل ضرورت حکومت، انواع حکومت، مدل رئالیستی و ایدئالیستی حکومت پرداخته است.

بنای اندیشه سیاسی علامه مبتنی بر نظریه مدنی الطبع بودن انسان و نظریه استخدام پایه‌ریزی گشته که در آن نیاز افراد جامعه به یکدیگر در تأمین معاش و برقراری نظم و امنیت اجتماعی و رفع اختلاف به منظور بقای نوع بشر از مهم‌ترین دلایل «ضرورت حکومت» بیان شده است. ایشان دامنه این ضرورت را بر اساس روایت حجت یعنی «لولم یبق فی الارض الااثنان لکان احدهما الحجة» نه فقط در ابعاد مادی و عینی زندگی، بلکه در بعد زندگی معنوی نیز لازم و ضروری دانسته است و بر اساس نگاه کارکردگرایانه و انداموار به بحث حکومت، جایگاه امام و حاکم در جامعه را به قلب در بدن آدمی تشبیه کرده و بیان می‌دارد: «همانگونه که جوارح از قلب مستغنی نیستند و بدون آن، امور جوارح مستقیم نمی‌شود همچنین امور مردم نیز بدون وجود حاکم به سامان نمی‌رسد.»

علامه مجلسی با بیان اینکه حکومت شأنی از شئون نبوت و امامت و استمرار تمامی شئون پیامبر صلی الله علیه و آله (به استثنای نبوت) در جانشینان بر حق ایشان است، پایه‌های زعامت سیاسی را به عنوان اصول دین قلمداد کرده است و بر اساس همین نگاه کلامی امامت عامه را همان «اولی به تصرف» و «صاحب اختیار بودن در دین و دنیای امت به جانشینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله» قلمداد می‌کند. چنین تصوری از حکومت، وجود حکومت را همچون وجود نبی و امام مسلم فرض کرده که همچون اعتقاد و عدم اعتقاد بدان، بار فقهی جدیدی را ایجاد می‌کند. علامه مجلسی بعد از بیان ضرورت حکومت، مراتب و گونه‌های مطلوب دولت را در دو دسته نظرگاه نظری و نظرگاه عملی تشریح کرده و احکام خاص هرکدام را بیان می‌دارد.

دولت از نظرگاه نظری به دو دسته دولت عدل و دولت جور تقسیم گشته و بیان می‌دارد که بر اساس آیات و روایات وارده دولت عدل دارای سلسله مراتب از دولت امام معصوم(ع)، دولت فقیه جامع‌الشرایط (نواب عام امام) تا دولت عدول مومنین را شامل می‌گردد. در مقابل این قسم از دولت عدل، دولت جور قرار می‌گیرد. ایشان علاوه بر چنین تقسیم‌بندی از دولت، به واقعیت‌های جاری در جامعه و تاریخ توجه کرده و انواع دولت را بدون احتساب نظرگاه خویش در باب مشروعیت و بر اساس توجه به دین و مذهب به سه دسته ذیل تقسیم نموه است:

نوع اول: حکومت و سلطنت پادشاهانی است که بر دین و مذهب تشیع بنا شده و با رعیت دادگرانه رفتار می‌نمایند. علامه در ادامه با استناد بر وایت وارده از پیامبر گرامی اسلام که می‌فرمایند: «ان من اجلال الله تعالی... اکرام السلطان المقسط» رابطه حقوقی مردم و دولت این‌گونه است که «ایشان {حاکم} را بر رعیت، حقوق بسیار است که حفظ و حراست ایشان می‌نماید و دفع دشمنان دین از ایشان می‌کند و دین و جان و مال و عرض ایشان به حمایت پادشاهان محفوظ می‌باشد، پس ایشان را دعا باید کرد و حق ایشان را باید شناخت، خصوصا هنگامی که به عدالت سلوک نمایند» و این حقوق لازم الرعایهٔ، مختص امام و منصوبان امام نیست.

نوع دوم: حکومت سلاطینی جائری است که بر مذهب تشیع بوده لیکن «بر خلاف نهج صلاح و عدالت» عمل نمایند.

نوع سوم: حکومت مطلق پادشاهان جائر که بر مذهبی غیر از تشیع سلوک می‌نمایند. از این‌رو، یکی از شرایطی که از نگاه علامه مجلسی در آن شرایط تقیه ضرورت یابد، زیستن در حکومت چنین حاکم جائر غیر شیعه است: «و مطلق پادشاهان جابر و ظالمان را نیز رعایت می‌باید کرد و تقیه از ایشان واجب است و خود را از ضرر ایشان حفظ کنند و مورد قهر ایشان نسازند.»

ما در این یادداشت به دیدگاه ایشان در باب ولایت فقیه پرداخته تا بن‌مایه‌های فکری این نظریه را در فحول علمای اخباری یعنی علامه مجلسی نیز ریشه‌یابی کنیم.

ولایت فقیه

شرایط حاکم بر ادوار حکومت‌ها، شرایط نامتناسبی با تفکر شیعی و اسلامی شکل داده بود و این حکومت‌ها، از شکل‌گیری اندیشه موازی و جایگزین که پایه‌های حکومت سلاطین را مورد هدف قرار می‌داد در هراس به سر می‌بردند، تمام هم و غم علمای شیعی، حفظ اساس اسلام و مذهب شیعه بر اساس روش تاکتیکی تقیه بود. با روی کارآمدن حکومت صفوی، کم‌کم، علمای شیعه از لاک تقیه خارج شده و زمینه برای بروز اندیشه‌های مأخوذ از مصادر شیعی برای مشروعیت بخشی به حکومت صفوی آغاز شد.

این آغاز که آن را مدیون شیخ محقق کرکی جبل عاملی باید دانست متناسب با حکومت سلاطین متعهد به مذهب شیعه از شدت و ضعف برخوردار بود به گونه‌ای که در دوران شاه طهماسب ما شاهد جایگاه برتر محقق کرکی قبل از شاه طهماسب در زعامت امپراتوری صفوی هستیم. با این وجود، همزمان با زوال حکومت صفوی، حاکمیت تفکر ملاحظه‌کاری بر اندیشه سیاسی به خاطر عدم التزام حکام صفوی به مذهب تشیع و حاکمیت نوعی تفکر صوفیانه بر آنها، سایه انداخت و علمای این دوران کمتر به بحث حکومت مطلوب از منظر شیعه پرداختند.

> بنای اندیشه سیاسی علامه مجلسی مبتنی بر نظریه مدنی الطبع بودن انسان و نظریه استخدام پایه‌ریزی گشته که در آن نیاز افراد جامعه به یکدیگر در تأمین معاش و برقراری نظم و امنیت اجتماعی و رفع اختلاف به منظور بقای نوع بشر از مهم‌ترین دلایل «ضرورت حکومت» بیان شده است

> در لابه‌لای مباحث سیاسی مطرح شده در کتاب بحارالانوار درباره انواع ریاست، چنین برمی‌آید که مجلسی از لحاظ نظری حکومت فقیه جامع‌الشرایط را در عصر غیبت مشروع و مجاز دانسته و در مواردی که اقامه امر به معروف و نهی از منکر و مصلحت عباد مشروط به آن باشد، واجب می‌شمارد

از جمله اندیشمندان و متفکران این دوران، علامه مجلسی است که بیشتر مباحث خویش را به شیوه تعامل با حکومت‌های واقع و نه حکومت مشروع از منظر شیعه مورد توجه قرار داده و در آثار وی اشارات اندکی به بحث ولایت فقیه در عصر غیبت شده است.

مجلسی در شرح «مقبوله عمربن حنظله» و در توضیح «فإنّی قد جعلته علیکم حاکما» بیان می‌دارد که لفظ «حاکما» دلالت بر قاضی و نه مفتی دانسته تنها نیابت فقیه از امام در تصدی منصب قضاوت را از این روایت مستفاد می‌نماید و نمی‌توان از آن در اثبات ولایت فقیه به عنوان امر اجرایی مورد استناد قرار داد.

ایشان در اثبات ولایت فقیه، به شرح روایت وارده از امیرالمومنین «و لا تختانوا ولاتکم» پرداخته و در معنای «ولات» می‌نویسد: «مراد از کلمه ولات، معصومین(علیهم السلام) یا اعم از ایشان و منصوبین از جانب آنها به نصب خاص بلکه به نصب عام هستند.»

روشن است که مقصود وی از «نصب عام»، ولایت عامه فقهای شیعه در عصر غیبت است. این عبارت مجلسی صریح در جواز تصدی امارت ولایت از سوی فقیهان جامع‌الشرایط در زمان غیبت است. با این توضیح، می‌توان دیدگاه جواز و حتی رجحان تشکیل حکومت اسلامی و تصدی ریاست دنیوی توسط فقیه عادل در عصر غیبت را به دست آورد.

با این وجود، مجلسی در زمان تقیه، اقدام قهرآمیز و نظامی برای خارج ساختن حکومت و قدرت سیاسی از دست غیر شیعیان یا حاکمان جور را توصیه نمی‌کند زیرا مجلسی بر اساس مفاد روایات وارده، معتقد است که بعد از امام حسین(ع) تا ظهور حضرت حجت زمان ترک قتال و تقیه است به شرط اینکه این ترک قتال و انجام تقیه، منجر به فساد، بطلان و اضمحلال دین نگردد. لذا مبارزه با حکام جور در صورت تهدید اصل و اساس دین امری لازم و واجب شناخته می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که در لابه‌لای مباحث سیاسی مطرح شده در کتاب بحارالانوار درباره انواع ریاست، چنین بر می‌آید که مجلسی از لحاظ نظری حکومت فقیه جامع‌الشرایط را در عصر غیبت مشروع و مجاز دانسته و در مواردی که اقامه امر به معروف و نهی از منکر و مصلحت عباد مشروط به آن باشد، واجب می‌شمارد. چنین دیدگاهی به‌خصوص تمرکز ایشان بر نقش مهم فقیه به عنوان قاضی و حکم جامعه، اندیشه ولایت فقیه در نگاه ایشان را به دیدگاه کسانی که معتقد به نظارت و نه ریاست فقیه در جامعه مسلمین هستند نزدیک ساخته و آن را ذیل مکتب نجف قرار می‌دهد.

منابع

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، انتشارات مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ ق.
۲- مجلسی، محمدباقر، مرآت العقول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۳- مجلسی، محمدباقر، عین الحیوة، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۳ ش.
۴- مجلسی، محمدباقر، حق‌الیقین، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۳ ش.
۵- موسوی خمینی(امام)، سید روح‌الله، صحیفه نور، جلد ۱ و ۸.

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

صراط

تعبیر امام(ره) از حضور علمای شیعه در دستگاه پادشاهان

حضور مجلسی در دربار سلاطین مجاهده نفسانی بود

در باب امور سیاسی... یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شدند به یک سلاطین، با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند، لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، اینها متصل شدند به یک سلاطین و این سلاطین را وادار کردند خواهی‌نخواهی برای ترویج مذهب، مذهب تشیع، اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین، اطرافیان این آقایان بودند. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند، نباید تا کسی به گوشش خورد که مثلاً مجلسی ـ رضوان الله علیه ـ محقق ثانی ـ رضوان الله علیه ـ شیخ بهائی ـ رضوان الله علیه ـ با اینها روابط داشتند، می‌رفتند سراغ اینها، همراهی‌شان می‌کردند. .. خیال کند که اینها مانده بودند برای جاه و عزت و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین یا شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرف‌ها نبوده در کار. آنها گذشت کردند، یک مجاهده نفسانی کردند، برای اینکه مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها ترویج کنند، وقتی جلوگیری از سب حضرت امیر می‌خواستند بکنند: در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب، شش ماه دیگر صبر کنید ما سببش کنیم! اینها در یک همچو محیطی که سبّ امیر این طورها بوده و رایج بود و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبود، اینها رفته‌اند، مجاهده کرده‌اند. خودشان را پیش مردم، مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را، غرض ندارد، نمی‌داند قضیه را.

درنگ

نفی امریکا و اثبات انقلاب اسلامی

تحلیل واژگان کلام رهبر انقلاب در دی ماه ۹۴

نوید نظری

در جهان کنونی منطق نطق‌ها و پیام‌های رهبران و رؤسای دولت‌ها یکی از بارزترین و اصلی‌ترین منابع تبیین و فهم راهبردها و استراتژی‌های نظام‌های سیاسی است. معمولاً دولتمردان مهم‌ترین سخنان یا به تعبیر اهل فن دیپلماسی عمومی خود را در دیدارهای عمومی، نطق‌های سالانه و... بیان می‌کنند. لذا تحلیلگران کلان مسائل سیاسی با مطالعه عمیق و علمی نطق‌ها و سخنرانی‌های عمومی دولتمردان بیش از هر منبع دیگری استراتژی‌های کلان، خط‌مشی‌ها و هدف‌گذاری‌های بلندمدت ملت‌ها و دولت‌ها را استخراج می‌کنند. در این بین نقش سخنرانی‌های عمومی در جمهوری اسلامی علاوه بر دارا بودن مؤلفه‌های مذکور به خاطر ماهیت مردمی نظام بیش از سایر دولت‌ها حائز اهمیت است.

باور مالکیت و ایفای نقش مردم در سرنوشت کشور و تعلق خاطر همیشگی آنها در حراست از نظام، خصوصاً در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری عمیقاً مشاهده می‌شود. ایشان مهم‌ترین نظرات و تدابیر راهبرانه خویش را در دیدارهای مردمی سالانه یا مناسبتی بیان می‌کنند. به همین خاطر همواره سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب مورد توجه جدی تحلیلگران خصوصاً خارجی بوده است. یکی از روش‌های کارآمد و علمی این تحلیل‌ها وزن‌کشی و شمارش واژه‌ها و تعابیر کلیدی مرتبط است. نقطه کلیدی و با اهمیت در این روش دریافت دقیق از عمق نگاه، دغدغه‌ها و افکار بنیادین سخنران است. در این یادداشت بیانات و سخنان رهبر معظم انقلاب در بازه زمانی هشتم تا سی‌ام دی‌ماه ۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. معظم‌له در سه سخنرانی مهم در مدت‌زمان ۲۲ روز نکاتی را پیرامون حیات و ثمره انقلاب اسلامی، ریزش‌ها و رویش‌ها، ماهیت تمدن‌سازی آن، دشمنی امریکا و استکبار و تنوع روش‌های آن، انتخابات، چشم طمع امریکا به فرایند و نتایج آن و... فرمودند. مطالعه جامع و عمیق این فرمایشات و تطبیق آن با منظومه فکری اندیشه‌ای معظم‌له نتایج و برکات مهمی در پی خواهد داشت که از دایره ادراک این حقیر خارج است. مع‌الوصف نکات مهمی نیز در اولین نگاه به ذهن می‌رسد که بیان آن خالی از لطف نیست.

۱- در این بیانات کلمه «امریکا» حدود ۵۰ بار از سوی معظم‌له تکرار شده است. یعنی در هر سخنرانی ۱۷ مرتبه که اگر بازه زمانی ۲۲روزه در نظر گرفته شود می‌توان گفت به ازای هر روز دو بار و با در نظر گرفتن زمان ایراد بیانات ایشان(۴۰ تا ۵۰دقیقه) در هر سه دقیقه یک‌بار موضوع امریکا و دشمنی آن مورد مداقه قرار گرفته است. علاوه بر این، مجموع کلمات «دشمن» و «استکبار» نیز ۵۰ نقطه مورد استفاده قرار گرفته است. یعنی ایشان در سه سخنرانی مجموعاً ۱۰۰ بار به ماهیت دشمن، خوی استکباری و مصداق اتم آن یعنی امریکا اشاره داشته‌اند. کلیدواژه‌های «توطئه و کودتای رنگی»، «نفوذ» و «تخریب جوانان انقلابی و مؤمن با برچسب تندروی» ۲۰ بار مورد توجه ایشان قرار گرفته است که می‌توان آنها را معابر و راهکارهای دشمنی امریکا و استکبار در برهه‌های زمانی مختلف قلمداد کرد.

۲- «انقلاب اسلامی» و مشتقات فکری و عملیاتی آن در همین سخنرانی‌ها حدوداً ۷۰ بار مورد اشاره رهبری عظیم‌الشأن آن بوده است. «تحلیل و مطالعه تاریخ» به عنوان ابزار فهم عمیق از پشتوانه انقلاب، مقایسه با انقلاب‌های بزرگ، تحلیل درست از ریزش‌ها و رویش‌ها، شناخت امتیازات منحصر به‌فرد انقلاب اسلامی ایران و همچنین «تمدن‌سازی و الزامات آن» در قالب مهم‌ترین رویکرد و رسالت انقلاب اسلامی در جهان معاصر، ماهیت رایحه‌ای و گسترش‌پذیری فزاینده آن، مهم‌ترین علت هراس استکبار در مواجهه با انقلاب و... مجموعاً در ۳۰ نقطه بیانات ایشان مشاهده می‌شود.

۳- تقدیر صمیمانه و دیدار گرم فرماندهی کل قوا از عملیات حماسی و تحسین‌برانگیز نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تأکید بر لزوم الگوبرداری مسئولان سیاسی کشور در مواجهه با تجاوزات دشمن در عرصه‌های بین‌المللی از نکات مهم این بیانات بود که با یادآوری نامه تاریخی ایشان به رئیس جمهور پیرامون اجرایی شدن برجام و تأکید بر رصد رفتار ددمنشانه استکبار و عدم غفلت از بدعهدی امریکا در عمل به تعهدات حداقلی معنای دقیق‌تری می‌یابد. مقام معظم رهبری شهامت، توکل بر خدا و تلاش مجاهدانه را عناصر ماندگاری انقلاب معرفی می‌کنند که از بین رفتن بذر ترس و ناامیدی نتیجه عمل به آن است.

۴- رصد تحولات، موضع‌گیری‌های جهانی، آمد و شدهای هیئات سیاسی، اقتصادی و... کمک شایانی به فهم مصادیق و دغدغه‌های محوری بیانات ناخدای کشتی انقلاب است. ادعای انحلال انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی و پایان آن از سوی برخی دولتمردان، حمله همه‌جانبه به شورای نگهبان در فرایند انتخابات، تحرکات ضدفرهنگی در دانشگاه‌ها، عرصه‌های کتاب، سینما و...، کم‌کاری دولت یازدهم در ارائه لایحه بودجه، رویکردهای اقتصاد مقاومتی برنامه ششم توسعه و موکول کردن آن به روزهای بعد از اجرایی شدن برجام، تأکید دولتمردان به توفیق چشمگیر توافق برجام و کتمان هزینه‌های گزاف پرداخته شده، ادعای دولت در مدل‌سازی حل مسائل جهانی و منطقه‌ای با بهره‌برداری از برجام، رکورد جهانی مذاکرات دیپلماتیک ایرانی - امریکایی به‌رغم تأکیدات فراوان رهبری بر مجوز مذاکرات تنها در موضوع هسته‌ای، (در شرایطی که تنها دست‌دادن اتفاقی با مقامات ایرانی در راهروهای سازمان ملل سال‌ها آرزوی رسانه‌ای برای امریکایی‌ها بود.) کاهش شدید قیمت جهانی نفت با توطئه امریکا، رفت و آمد هیئت‌های اقتصادی اروپایی بعد از برجام و هیجان مسئولان دولتی برای عقد قراردادهای تجاری، نگرانی فعالان اقتصادی عرصه تولید از لطمات پردامنه این معاهدات و بی‌توجهی دولت به الگوی صحیح تعامل با غرب و بی‌توجه به تولید داخلی، پیشرفت‌های جبهه مقاومت در عراق، سوریه و یمن، تشدید اختلافات داخلی جبهه ارتجاع منطقه‌ای و استکبار جهانی، دستگیری تفنگداران امریکایی در اولین لحظات تجاوز به آب‌های سرزمینی و مقایسه آن با موضع منفعلانه و اسف‌انگیز وزارت امور خارجه در توقف کشتی کمک‌های انسانی ارسالی به یمن در پی تماس تلفنی وزیر خارجه امریکا و... تنها بخشی از موضوعاتی است که ضرورت توجه بهنگام و با برنامه به راهبردهای عملیاتی رهبری نظام را دوچندان می‌کند. بنابراین «انقلاب اسلامی» و منظومه فکری و راهبردی مرتبط با آن تقریباً در وزن و اهمیتی مشابه در ازای تشریح و تبیین ماهیت دشمنی استکبار و در رأس آن امریکا در بیانات ایشان مشاهده می‌شود که می‌توان راهکارهای دشمن‌شناسی فراوانی از آن استخراج کرد. پذیرش حیات مجاهدانه و شکوفایی آرمان‌های ناب انقلاب اسلامی در سایه سنن و امدادهای الهی و مبارزه خستگی‌ناپذیر در برابر استکبار و مصداق اتم آن، جانمایه سخنان رهبری معظم انقلاب است. ماهیت تمدن‌سازی و گسترش رایحه خوش اسلام ناب از درخت انقلاب، علت اصلی این دشمنی است. دشمنی امریکا با انقلاب اسلامی و نه نظام اسلامی به بلندای عمر انقلاب و به عمق آرمان‌ها و به گستره افق‌های آن است. دولتمردان کاخ سفید با توجه به ذات استکباری و طاغوتی خود اساساً چنین پدیده پویا و بانشاط، ضداستکباری و توانمند در تسخیر قلوب ملل مسلمان و آزاده را تحمل نخواهند کرد. امام خامنه‌ای در فرازی از بیاناتشان به توصیف حجم عظیم و چندبرابری دشمنی‌ها با انقلاب در روزهای پیروزی و دفاع مقدس در مقایسه با وضعیت کنونی پرداخته و با بیان اینکه مسئولان امریکایی گفته‌اند «روزهای بعد از برجام روزهای سختگیری بر ایران است» بر کارکرد محوری امریکا در نقشه‌های دشمنی استکبار جهانی و همراهی ثانویه سایر قدرت‌ها تأکید کردند و فرمودند «راز بی‌اثر بودن دشمنی‌ها در حیات مبارک انقلاب عمل به تکلیف و ایمان به نصرت‌های الهی بود.»

این رهنمون نقطه مقابل تحلیل افرادی است که با بزک کردن چهره امریکا سعی در عادی‌سازی روابط و زمینه‌سازی پروژه نفوذ در کمترین زمان ممکن را دارند. نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اولویت کنونی دشمن است که در قالب برنامه کلی انتخابات رقم خورده است. در کلام مقام معظم رهبری «مواضع خوب مجلس فعلی در قبال مسائل جهانی»، «اهمیت مجلس خبرگان در انتخاب رهبری که با توکل و شجاعت در مقابل هجمه‌های دشمنان بایستد»، «اعتماد به فهرست انتخاباتی که ارائه‌دهندگان آن دنباله‌رو امریکا نباشند»، تبیین انگیزه امریکا از کودتای رنگی سال ۸۸ درست بعد از نامه مصالحه‌جویانه به رهبری نظام، با تعبیر «سرنگونی دولتی که منافع امریکا را تأمین نمی‌کرد» و... گزاره‌هایی است که افق نگاه جامع ایشان را برای ما روشن می‌سازد. خط مبارزه دائمی انقلاب اسلامی با مصداق اتم استکبار و توجه به تغییر نقاب و تنوع روش‌های دشمنی، از طریق رصد دقیق و هوشمندانه تحرکات دشمن و اقمار داخلی و منطقه‌ای آن و در نهایت واکنش‌های مجاهدانه با توکل بر خدا و امید به تحقق سنن نصرت و یاری الهی شاهراه رشد و بالندگی انقلاب اسلامی و پایه‌ریزی تمدن نوین جهانی بر مبنای تعالیم ناب محمدی(ص) است. انقلابی که در سی و هفتمین بهار حیات مبارک خود در اوج شکوفایی و بالندگی است و در برابر دشمن پیر و فرتوت در اوج اقتدار و قدرت قرار دارد.